

آینه

کیمان

خبری در راه است...؟

● **جعفر بلوری**؛ با توجه به این مهم که چیزی نمی‌تواند جایگزین نظامیان آمریکایی در سوریه شود، خلا حاصل از خروج آمریکا در سوریه قطعا از سوی کسانی پر خواهد شد که با اسد میانه خوبی دارند! اگر هم میانه‌شان خوب نباشد، در برابر مقاومت و ارتش سوریه عددی آمریکا طعمه زده است. شاید وقت اعتراف به سوریه نیز مثل جنگ یمن قرار نبود طولانی شود. هزینه‌های حیثیتی، سیاسی و اقتصادی که حامیان داعش و آمریکا در این جنگ داده‌اند، بیش از حد زیاد شده است. از سال ۲۰۰۱ به‌این‌سو به گفته ترامپ، هزینه مداخله در منطقه فقط هفت تریلیون دلار به اقتصاد آمریکا لطمه زده است. شاید وقت اعتراف به شکست رسیده و خروج از سوریه همان اعتراف است. این تحلیل را هم باید جدی انگاشت که دستور فوری ترامپ برای خروج نظامیان آمریکایی از سوریه، پشت پرده پیچیده‌ای نداشته باشد. یعنی صرفا تصمیم شخص ترامپ بدون توجه به مشورت‌ها و هشدارهای مشاوران و سایر مقامات پنتاگون و کاخ سفید باشد. در این صورت باید منتظر یک جنگ تمام‌عیار سیاسی و لفظی در داخل آمریکا و بین مقامات آمریکایی بود.

سازمان

●**صداسیما با حاشیه‌سازی‌ها به جایی نمی‌رسد**
● **عزت...** یوسفیان ملا؛ برخی نان‌شان در حاشیه‌سازی است و با دامن‌زدن به مسائل کوچک و بی‌اهمیت، دنبال سرگرم‌کردن نمایندگان هستند تا مجلس به کارهای اصلی و ضروری کشور نرسد. الان ببینید وقت مجلس چگونه گرفته می‌شود؟ یکی از سرمداران حاشیه برای مجلس، صداسیماست. این سازمان جوسازی می‌کند، مسائل کوچک را بزرگ جلوه می‌دهد، مسائلی را که لزومی ندارد پخش شود، بارها و بارها روی آنتن می‌برد، نتیجه هم هدررفتن وقت و انرژی کشور و مجلس است. درحالی‌که هر ثانیه وقت مجلس باید در جهت رفع مشکلات مردم صرف شود اما مدام سرگرم خودش شده و اتلاف وقت می‌شود. قبلمی‌که از نماینده مجلس پخش شد، اتفاقات جلسه غریبنعلی سه‌شنبه یا مسائلی که نمایندگان استان اصفهان به‌وجود آوردند، استعفا دادن و مجدداً بازگشتند، به شکلی مطرح شد که دیگر نمایندگان بگویند اگر بناسث نمایندگان ره استانی استعفا بدهند و امتیاز بگیرند، چرا ما از این راه برای گرفتن امتیاز و بودجه برای استان خود استفاده نکنیم؟ متأسفانه شاهد چنین حواشی مؤثری هستیم.

تجربه

بازنگری استانداردها

● **فاطمه سعیدی**؛ بازنگری در استانداردهای مراکز آموزشی و پایش مستمر این مراکز باید به‌عنوان یک سیاست جدی در دستور کار وزارت آموزش‌وپرورش قرار گیرد. بازنگری در استانداردها و تقویت نظارت البته بدون بودجه مکفی ممکن است نتیجه‌بخش نباشد. از همین رو لازم است سیاست‌گذاری اقتصادی در آموزش‌وپرورش مورد بازنگری قرار گیرد. در این بازنگری‌ها، توجه به سیاست عدالت آموزشی و توزیع عادلانه امکانات خصوصا در مناطق محروم یکی از اولویت‌های فوری این بازنگری است. نمی‌توانیم به دلیل کمبود بودجه هرساله شاهد بروز اتفاقات ناگوار باشیم. هم‌اندیشی درباره شیوه‌های معقول برای بروزرفت از وضعیت کنونی میان دولت، مجلس و کارشناسان و تدوین راهبرد اجرایی در کوتاه‌مدت جزء ضرورت‌های نظام آموزش‌وپرورش است. امیدوارم تا زمان تغییر اصولی سازوکارهای مالی، با عنایت وزیر محترم آموزش‌وپرورش فعلا شیوه‌های نظارتی به نحوی بهبود یابند که دست‌کم حالا که در آستانه فصل سرما هستیم، احتمال بروز خطا و مشکلات و حوادث تا حد بسیار زیادی کاهش یابد. بدهی‌ی است که از سوی دیگر باید تغییر روندها و بهبود ساختار مالی و پشتیبانی آموزش‌وپرورش مورد توجه جدی قرار گیرد.

وقت امروز

وزارت خارجه کدام را انتخاب می‌کند؟

● **نوید مؤمن**؛ نسبت میان «آرمان»، «استراتژی» و «تاکتیک» در حوزه سیاست خارجی کشور ما همچنان مشخص و قابل محاسبه نیست! قاعدا تا آرمان‌های ما باید مولد استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ما نیز یابد در ذیل استراتژی‌های ما تعریف شود. پیچیده‌ترین قسمت بازی نظام سلطه این است که استراتژی‌های سیاست خارجی کشور را چگونه می‌توان به صورتی اسلامی ایران را در خدمت بازی تاکتیکی خود درآورد. به این پرسوسه، معامله «استراتژی» با «تاکتیک» اطلاق می‌شود!... نسبت میان سه مؤلفه اساسی یعنی آرمان، استراتژی و تاکتیک در دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان بر هم ریخته است. اصلی‌ترین پیش‌شرط جلوگیری از استمرار خلط این سه مؤلفه (که امکان بروز خطاهای اساسی در حوزه دیپلماسی ما را افزایش می‌دهد)، آگاهی نسبت به مشی نادرستی است که طی سال‌های اخیر بر حوزه سیاست خارجی کشورمان حاکم بوده است. بنابراین اگر اظهارات اخیر آقای دکتر طریف، مصداق نوعی «خودکاهي» باشد باید از آن استقبال کرد. باین‌حال اگر ایشان در صدد فرافکنی نسبت به وضعیت موجود و نسبت‌دادن کارنامه ناموفق سیاست خارجی کشور به منتقدان وزارت امور خارجه هستند، بدترین مسیر ممکن را انتخاب کرده‌اند! وزارت امور خارجه امروز در راستای اصلاح و بازگشت از مسیر گذشته خود، بیش از آنکه به «بلورز» نیاز داشته باشد، نیاز به «دوربرگردان» دارد!

سیاست

محسن پیرهادی، مدیرمسئول روزنامه رسالت، در گفت و گو با «شرق»

نسخه شفاف‌بخش اصولگرایان



عکس: احسان قلیچین

شرق:محسن پیرهادی، مدیرمسئول روزنامه رسالت، دبیرکل حزب پیشرفت و عدالت و عضو سابق اولگرای شورای شهر تهران است. او یک حامی قالیباف است و حزبش هم نزدیک‌ترین حزب به قالیباف. آنها از سال گذشته که قالیباف از رئیسی در انتخابات جا ماند، بحثی تحت عنوان نواصولگرایی را مطرح می‌کنند. نواصولگرایی این روزها زیاد مد شده و حتی اسدالله بادامچیان، عضو شورای مرکزی ستی‌ترین حزب اصولگرا هم اخیرا در توئیتی از پایان دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی و درانداختن طرحی نو سخن گفته است. مشابه این ادعا را جریان احمدی‌نژاد هم نمایندگی می‌کند. گویا در اصولگرایی این روزها همه برای ردشدن از یک نام در حال سبقت‌گرفتن هستند. همان‌طور که در دهه ۷۰ از «راست» به «اصولگرایی» تغییر نام دادند تا از «چپ» های «اصلاح‌طلب» شده جا نمانند. حالا هم به نظرشان رسیده که باید دوباره تغییر نام بدهند. اینکه این تغییر نام چقدر صوری و چقدر جدی است و چقدر در کل جریان اصولگرایی طرفدار دارد، مشخص نیست. با پیرهادی درباره نواصولگرایی مطرح شده از سوی این جریان، برنامه آنها برای انتخابات در سال آینده و تکرار ائتلاف سال گذشته گفت‌وگو کرده‌ایم:

سیاسی کشور وجود دارد. ما در نواصولگرایی به این باور رسیده‌ایم که حتما باید یک ساختارهای نویی طراحی کنیم که هم نسل جدید آن را باور کند و هم خودش را در این ساختار مؤثر بداند، نه اینکه در یک اتاق فکر بالادستی برایش تصمیم بگیرند و بگویند که تو موظفی به آن عمل کنی.
آقای قالیباف در همان نامه نواصولگرایی‌اش مطرح می‌کند که رأس تصمیم‌گیری در اصولگرایی دچار اختلال شده. ما دوست داشتیم بدانیم دقیقا نقد ایشان به کجا و چه افرادی است؟
تصمیم‌گیری باید با مشارکت هواداران انجام شود. چیزی که به عقیده من نقد به جریان اصولگرا بود، این بود که به دنبال یک شیخوخت در بالادست خودش است و از بدنه می‌خواهد تمکین کند.
آیا مگر چمنابر اساس یک خرد جمعی شکل نگرفت؟ یک‌شبه پارلمان که اعضا آمدند و تصمیمات را با رأی‌گیری گرفتند.

این یک گام به جلو بود؛ اما کامل نبود. ما ضمن حمایت که بعضا در برخی جلساتش شرکت می‌کنیم؛ اما منتقدش بودیم؛ چون آن فرایند دموکراتیک به صورت ناقص انجام شد.
آیا اگر به جای آقای رئیسی، آقای قالیباف خروجی چمنابا بود، باز هم همین انتقاد را داشتید؟
اصلا خروجی چمنابا اتفاقا دو گزینه بود.
آیا خروجی چمنابا منظورم بود.
دلایل مختلف دارد. فقط نظر چمنابا نبود.
آیا نظر کجا دیگر دخیل بود؟
پارمترهای مختلفی دخیل بود که آقای قالیباف کنار رفت. نگاه او این بود که ورود به انتخابات با چند گزینه از سوی یک جریان درست نیست.
آیا پس چرا آمدند؟
با مشورت دوستان آمد و علاقه هم نداشت بیااید؛ اما عده‌ای ایشان را مجاب کردند که بیایند. خروجشان هم به این دلیل بود که با یک گزینه بهتر است. حالا تحلیل ما یک چیز بود و تحلیل هواداران آقای رئیسی یک چیز دیگر.

آیا چنما معتقد است که براساس نظرسنجی‌ها آقای رئیسی رای بیشتری در مقایسه با آقای قالیباف داشت. من نظرسنجی‌های مختلفی را دیدم که در برخی آقای قالیباف و برخی آقای رئیسی بالاتر بود؛ اما درنهایت برداشت ما این بود که وضعیت آقای رئیسی بهتر بوده است.
نظرسنجی‌های متعددی داشتیم. ما می‌گفتیم که حزب چمنما معتقد است که براساس نظرسنجی‌ها آقای رئیسی رای بیشتری در مقایسه با آقای قالیباف داشت. من نظرسنجی‌های مختلفی را دیدم که در برخی آقای قالیباف و برخی آقای رئیسی بالاتر بود؛ اما درنهایت برداشت ما این بود که وضعیت آقای رئیسی بهتر بوده است. نظرسنجی‌های متعددی داشتیم. ما می‌گفتیم

خبر

پیام آیت‌الله العظمی صافی‌گلپایگانی در پی حادثه مدرسه زاهدان

● آیت‌الله العظمی صافی‌گلپایگانی جان‌باختن چهار دانش‌آموز در حادثه آتش‌سوزی مدرسه اسوه حسنه زاهدان را تسلیت گفت و بر لزوم جلوگیری از تکرار چنین حوادثی تاکید کرد.
به گزارش جماران، متن پیامی که دفتر معظم له منتشر کرده، بدین شرح است:
«ضایعه دلخراش جان‌باختن تعدادی از نونهالان عزیز، دختران معصوم در زاهدان موجب تأسف و تأثر گردید؛ این حادثه بار دیگر قلوب ملت ایران را جریحه‌دار کرد.

مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌گلپایگانی مدظله العالی با خانواده‌های داغدار در این غم بزرگ شریک و همدرد بوده و از خداوند متعال صبر و بردباری را برای آنان مسئلت داشته و از مسئولان امر می‌خواهند که نسبت به این حادثه با دقت و حساسیت، بررسی کامل نموده و در تقلیل آلام خانواده‌های مکرم معزی کوشش نمایند.

قطعا عدم اختصاص اعتبارات کافی نباید زمینه‌ساز چنین حوادثی باشد و یقینا اولویت اول اعتبارات بر آموزش و تربیت فرزند عزیز اسلام به‌خصوص در مناطق محروم می‌باشد.

حسبالامر مرجع عالی‌قدر هیتی از سوی معظم له برای عرض تسلیت به خانواده‌های داغدار اعزام گردید.»

ادامه از صفحه اول

ضد حمله به ایران هراسی

رهبر انقلاب هم بر اینکه ایران قصد جنگ با کسی را ندارد تاکید کردند. اما اوضاع پیچیده در سوریه، عراق، یمن، جنوب لبنان و غزه و توجه‌نکردن به ظرفیت‌های دیپلمات‌های ایران فضاسازی علیه ایران را تشدید کرد. در این اوضاع اجرایی‌شدن تعهدات مندرج در برجام به‌ویژه در باب معاملات بانکی حتی از سوی اروپا معطل مانده است.

برسرش این است که چرا دولت‌های اروپایی برای نشان‌دادن استقلال خود در برابر آمریکا درصدد انسداد تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اعمال مجازات‌های آن کشور نسبت به شرکت‌هایی که با ایران معامله می‌کنند برنی‌انداختند؟ درحالی‌که در سال ۱۹۹۰ که دولت بیل کلینتون درصدد برآمد تحریم‌های جدی‌تری علیه کوبا اعمال کند، اروپاییان آن را نپذیرفتند و موضوع توسل آنها به شیوه‌های «انسداد تحریم‌ها» پیش آمد؛ پس چرا اکنون اروپا سیاست مشابهی در تقابل با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران اتخاذ نمی‌کند؟ به‌دلیل نکاتی که در بالا به آن اشاره شد و مسائل منطقه‌ای علیه ایران، نمی‌توان مسائل کوبا و ایران را یکسان دانست. سخت‌گیری به کوبا پس از فروپاشی نظام‌های کمونیستی در اروپای شرقی و شوروی بود که وقتی برخلاف انتظار تحرکی در کوبا دیده نشد، آمریکا کوشید با تحریم‌های جدید مردم کوبا را نیز به‌نوعی متحول کند و با توسل به قیام‌های رنگی برانگیزاند. اروپاییان از سویی به مدارا و روشی که در اروپای شرقی پیش رفت، عقیده داشتند. که از سوی دیگر ابعاد مختصر بازرگانی با کوبا که به صادرات شکر و سیگار برگ به‌عنوان منبع ارزی محدود می‌شود، انگیزه اقتصادی مهمی برای تشدید تحریم ایجاد نمی‌کرد و تحمیل تحریم یک‌جانبه آمریکا، اروپا را به‌ویژه در دولت متفاوت کلینتون برخلاف استقلال خود می‌انگاشتند. در ضمن سیاست راهبردی کوبا حامی براندازی کشور متحد آنان نبود.

درحالی‌که در ایران وضع متفاوت است. اروپاییان از سویی درباره برخی مسائل، به همان اندازه آمریکا حساس و حتی همراه هستند. تانیا؛ ترامپ، «مدیرعامل» خوسروس و نامتعارفی است و نحوه مقابله با او با نحوه مقابله با کلینتون، رئیس‌جمهور متعارف، فرق می‌کند. به‌هرحال کار به نقطه‌ای رسیده که وزیر خارجه ایران باید است.

● **بازگردیم به بحث اصولگرایان.** اخیرا بین آقای رئیسی و قالیباف دیداری صورت گرفت. شما گفته بودید که صرفا یک دیدار دوستانه بوده. این دو نفر معمولا هر چند وقت یک بار همدیگر را می‌بینند و درباره چه موضوعاتی گفت وگو می‌کنند؟ دیدارهایشان روال معمولی دارد. از بعد از انتخابات شاید ده‌ها بار دیدار داشتند. هردو مشهدی و رفیق ۴۰ساله‌اند و به هم علاقه‌مندند. رابطه دلی و مثبتی نسبت به هم دارند.
آیا شده بود تحت عنوان اینکه شورایی تحت عنوان شورای وحدت ایجاد شده یا مجوریت آقای رئیسی از طریق آقایان جلیلی، قالیباف و دیگران... ماجرا چقدر جدی بود یا هست؟
حتما گعده‌های دوستانه که در آن بحث‌های مربوط به خدمت به مردم و منافع ملی و دغدغه‌هایی مطرح می‌شود برگزار می‌شود. طبیعی است که این تبادل نظرها و جلسات بین فعالان اصولگرا برگزار شود همان‌طور که اصلاح‌طلبان هم چنین جلساتی دارند.